

مرز بحران

مفهوم بحران در صندوق‌های بازنشستگی چیست؟



ندا کمرئی
روزنامه نگار

لایه‌های مختلف تقسیم می‌شود.

در حال حاضر عمده کشورهای دنیا که زمانی صندوق‌های بازنشستگی آنها با بحران جمعیتی مواجه بوده است به این شکل برخورد می‌کنند.

اما در ایران که تعبیه‌هایی از بحران زدگی صندوق‌های آنها می‌شود، چه سیاست‌هایی اتخاذ شده یا قرار است بشود؟ بنابر اظهارات کارشناسان، ایران نیز از مدت‌ها قبل به دنبال برقراری «نظام چندلایه‌ای» در ساختار بازنشستگی خود بوده، اما تاکنون چنین اتفاقی رخ نداده است. کمابیش در سال ۸۳، قانون «ساختار جامع رفاه اجتماعی» تصویب شد که هرگز در بوته اجرا قرار نگرفت. قانون برنامه پنجم نیز با همین عنوان در صدد چندلایه‌کردن نظام تأمین اجتماعی برآمد، اما آن نیز به دست فراموشی سپرده شد. در حال حاضر نیز با کوششی دوباره در برنامه ششم توسعه برقراری «نظام چندلایه‌ای» دیده شده است، ولی با وجود تدوین آیین‌نامه‌های آن، همچنان خبری از اجرا نیست.

بحران در صندوق‌های بازنشستگی چه مفهومی دارد؟

«بحران در صندوق‌های بازنشستگی ایران» عبارتی است که به کرات شنیده می‌شود، اما سؤال این است که اساساً معنی و مفهوم بحران در صندوق‌ها چیست؟ اثرات و شاخه‌های تبعی آن از جنبه‌های مختلف چیست؟ عمق بحران در لایه‌های مختلف جامعه و تبعات سیاسی، اجتماعی و حتی امنیتی آن چیست؟ چرا همه‌ساله پرداختی‌های صندوق‌های بازنشستگی افزایش می‌یابد و وابستگی آنها به بودجه عمومی دولت افزایش می‌یابد؟ پیش از پاسخ به سؤال‌های فوق در ابتدا باید تأکید کرد که نمی‌توان از صندوق‌های بازنشستگی و به خصوص صندوق‌های دولتی هیچ زمان برداشت معمول از بحران را داشت، به این معنی که هیچ زمان برای صندوق‌های بازنشستگی نمی‌توان حالت ورشکستگی و عدم‌تکاپو در پرداخت حقوق بازنشستگان را متصور شد؛ زیرا دولت مکلف است هرطور شده حقوق بازنشستگی را تأمین و آن را پرداخت کند. با این دید هیچ بحرانی برای صندوق‌ها وجود ندارد. به عبارتی دقیق، قوانینی وجود دارد که براساس آنها صندوق‌ها مکلف به اجرای آنها هستند و در مقابل، اجرای همه این قوانین آثار مالی بر دوش دولت می‌گذارد و دولت هرطور شده

سال ۱۹۸۱ میلادی بود که کشور شیلی همزمان با بروز بحران اقتصادی‌ای که با آن مواجه شده بود، تصمیم به تغییر در نظام اقتصادی خود گرفت. در این روند که بحران اقتصادی، کنار بحران جمعیت میانسالی، صندوق‌های بازنشستگی این کشور را دچار چالش شدیدی کرده بود، این کشور تصمیم گرفت در ساختار و نظام بازنشستگی خود تغییراتی جدی اعمال کند و بر این اساس نظام بازنشستگی خود را کاملاً تغییر دهد و آن را خصوصی‌سازی کند. شیلی، به عنوان اولین کشور در تغییر نظام بازنشستگی خود، اصلاحاتی به‌شدت رادیکال انجام داد، به این معنی که یک نظام کاملاً دولتی را به نظامی کاملاً خصوصی منتقل کرد و در این روند تمام ریسک‌های دولتی مستقیماً به خود افراد منتقل شد.

هرچند شیلی کشوری پیش‌تاز در تغییر نظام بازنشستگی خود بود اما رفته‌رفته این بحران در عمده کشورهای توسعه‌یافته فراگیر شد. این کشورها به مرور دریافتند انتقال یک نظام کاملاً دولتی به نظامی کاملاً خصوصی نمی‌تواند تجربه موفق باشد و به همین دلیل، به مرور سازمان‌های بین‌المللی، نظیر «بانک جهانی»، «آیسا»، «صندوق بین‌المللی پول» و غیره اعلام کردند چنین رویکردی بهینه نیست و رفته‌رفته به سمت سیستم‌های «چندلایه» حرکت کردند. در سیستم‌های چندلایه، ریسک در بین لایه‌های مختلف نظام بازنشستگی تقسیم می‌شود. بنابراین در یک نظام چندلایه بر دخالت دولت در امر بازنشستگی و تأمین اجتماعی تأکید می‌شود، اما نه دخالتی مطلق، بلکه در این نظام، دولت در یک «لایه پایه» تا حدی مزایا و ریسک را تضمین می‌کند؛ سپس کارفرمایان خود نظام و لایه‌ای روی نظام و لایه دولت ایجاد و ریسک بین کارفرما و خود افراد تقسیم شود. همچنین لایه دیگری با عنوان لایه‌های اختیاری تعریف شده که به معنی «صندوق‌های بازنشستگی مکمل» است. با تعریف چنین نظامی ریسک اجتماعی و اقتصادی و هرگونه ریسک دیگری که صندوق‌ها با آن مواجه هستند در